

حکایت

دوفصلنامه علمی-پژوهشی قرآن پژوهی
سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۲
صفحات ۸۳-۵۷

بازپژوهی تفسیری و نقد ترجمه آیات به ظاهر متناقض با عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (مطالعه موردی آیه ۳۷ سوره احزاب)

محمد طاهری^۱

حمید ایماندار^۲

چکیده

توجه به سیاق و روابط همنشینی در کنار تحلیل معنایی واژگان یک متن، نقش بسزایی در کشف معانی آن متن و راهیابی به مقصود اصلی گوینده دارد. از این رو تحلیل معنایی واژه ترس در آیاتی که به ظاهر با عصمت پیامبران متناقض است و نیز سیاق شناسی این آیات و احاطه و اشراف به علم کلام، راهنمایی برای کشف مراد خداوند و مطابقت دادن مفهوم آیه با مقوله عصمت می باشد. همچنین ترجمه این آیات از زبان مبدأ نیازمند نگاه داشت ساختارهای دستوری و بلاغی و انعکاس مبانی کلامی صحیح در زبان مقصد بوده تا شائبه عدم عصمت پیامبران را در ذهن خواننده ایجاد نکند. پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحلیل انتقادی و انتخاب تعدادی از روش های ترجمه تحت اللفظی، امین، معنایی، تفسیری و آزاد به واکاوی تفسیری و نقد ترجمه آیه ۳۷ سوره احزاب، که حکایتگر ترس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تلقی عدم عصمت آن جناب است، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که فهم حقیقت ترس پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم در گرو کشف وجه و جهتی است که ترس از آن صورت پذیرفته است. با سیاق شناسی و بررسی ادله کلامی و تفسیری، تنها وجه صحیح ترس پیامبر صلی الله علیه و آله، ترس از اثر نامطلوب در ایمان مردم برای ریشه کن کردن حکم جاهلی تحریم ازدواج با همسر پسر خوانده است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه قرآن، آیات به ظاهر متناقض، عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خوف و خشیت، آیه ۳۷ سوره احزاب.

۱. استادیار دانشکده قرآن و حدیث دانشگاه ادیان و مذاهب، yahdin14@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآنی و فقه دانشگاه شیراز، hamidimandar@yahoo.com

۱. بیان مساله

ترس یکی از عواطف مهم انفعالی در زندگی انسان به شمار می آید، زیرا این حالت به دور شدن از خطرات تهدیدکننده او کمک می کند و این نیز به نوبه خود، انسان را در حفظ زندگی و بقای نسل یاری می دهد. اما فایده ترس، تنها در حفظ انسان از خطرانی که او را در زندگی دنیوی تهدید می کنند، خلاصه نمی شود و آثار تربیتی و غیر آن را برای انسان به همراه دارد. پیامبران، که والاترین مقام معرفت الله را دارند، ترسی در دل نداشته «الْإِنِّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲) و در راه تبلیغ امر الهی از هیچ چیز واهمه ای ندارند و جز از خدا نمی ترسند: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، ۳۹). با این همه در برخی آیات، «خوف» و «خشیت» به انبیا نسبت داده شده است. توجه به این نکته نیز شایسته است که خداوند متعال هیچ پیامبری را به خاطر ترس سرزنش نکرده است، بلکه فقط دستور به ترک ترس در برخی موارد داده است.

در قرآن کریم مفهوم ترس با تعبیرهای ذیل آمده است:

۱. «خوف» (۱۱۱ بار): «وَلَتَبْلُؤُنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ» (بقره، ۱۵۵)؛
۲. «خشیت» (۴۸ بار): «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر، ۲۸)؛
۳. «وَجِل» (۵ بار): «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ» (حجر، ۵۲)؛
۴. «رَهْبَةً» (۷ بار): «لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (حشر، ۱۳)؛
۵. «رعب» (۵ بار): «وَوَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبُ» (احزاب، ۲۶)؛
۶. «فزع» (۵ بار): «لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (انبیاء، ۱۰۳)؛

و همچنین از مضمون هایی مانند: «فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةً مُحْكَمَةً وَذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ» (محمد، ۲۰)؛ «قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعه، ۸)؛ «وَلَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ» (توبه، ۵۷) و جز آن سخن به میان آمده است.



ترس در قرآن گونه‌های مختلفی داشته و علت‌های متفاوتی برای آن یاد شده است که برخی جنبه مثبت و ارزشی و برخی جنبه منفی دارد. برای نمونه:

۱. ترس از خدا: «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (زمر، ۱۳)؛
۲. ترس از مرگ: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعه، ۸)؛
۳. ترس از فقر: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ» (اسراء، ۳۱)؛
۴. ترس از انفاق: «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ» (اسراء، ۱۰۰)؛
۵. ترس از مردم: «تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (روم، ۲۸).

در این میان ۳۵ آیه از ترس پیامبران با واژگان «خوف»، «خشیت»، «وَجِل» و «رعب» حکایت می‌کند. گونه‌شناسی ترس در آیات یاد شده را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

گونه نخست: آیاتی که از ترس پیامبران به عنوان ترس عادی و طبیعی بشری در قبال وقایع و یا ترس از اشفاق و دلسوزی گزارش کرده است؛ مانند ترس حضرت موسی علیه السلام از فرعونیان و فرار از شهر مصر: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ» (شعراء، ۲۱)؛ و نیز ترس آن حضرت هنگامی که عصایش به اژدها تبدیل شد و بنا بر عادت فطری و عادی بشری از یک ماجرای هولناک ترسید: «وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ» (نمل، ۱۰)؛ و یا ترس آن حضرت از تکذیب شدن: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون» (شعراء، ۱۲). این ترس نیز از باب اشفاق و از بابت به نتیجه نرسیدن تبلیغ بوده و جنبه منافع شخصی ندارد؛ زیرا هر پیامبری این ترس را داشته که امتش حق را نپذیرند. در این باره امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لَمْ يُوجَسْ مُوسَىٰ خِيفَةً عَلَىٰ نَفْسِهِ بَلْ أَشْفَقَ مِنْ غَلَبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ؛ موسی بر جان خود نترسید بلکه از این ترسید که تبلیغش اثر نکند و نادانان و دولت‌های گمراه به پیروزی برسند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۲۴۱/۱). و یا

۱. خوف: (انعام، ۱۵)؛ (انعام، ۸۰)؛ (اعراف، ۵۹)؛ (یونس، ۱۵)؛ (هود، ۳)؛ (هود، ۲۶)؛ (هود، ۷۰)؛ (هود، ۸۴)؛ (یوسف، ۱۳)؛ (مریم، ۵)؛ (مریم، ۴۵)؛ (طه، ۲۱)؛ (طه، ۴۶-۴۵)؛ (طه، ۶۸-۶۷)؛ (طه، ۷۷)؛ (شعراء، ۱۲)؛ (شعراء، ۱۴)؛ (شعراء، ۲۱)؛ (شعراء، ۱۲۵)؛ (نمل، ۱۰)؛ (قصص، ۱۸)؛ (قصص، ۲۱)؛ (قصص، ۳۱)؛ (قصص، ۳۳)؛ (قصص، ۳۴)؛ (قصص، ۸۴)؛ (ص، ۲۲)؛ (زمر، ۱۳)؛ (زمر، ۳۶)؛ (احقاف، ۲۱)؛ (ذاریات، ۲۸)؛ (وَجِل: (حجر، ۵۳-۵۲). خشیت: (احزاب، ۳۷). رعب: (کهف، ۱۸).

ترس و نگرانی پیامبران الهی از نزول عذاب بر مردم: «إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتَ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (انعام، ۱۵)؛ که به دلیل احساس مسئولیت و دلسوزی است. همچنین ترس حضرت زکریا علیه السلام از اینکه وارثی ندارد: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم، ۵)؛ این نوع ترس نشانه ضعف ایمان نیست و عقل نیز به مذموم نبودن آن حکم می‌کند.

گونه دوم: آیاتی که با توجه به منشأ و نوع ترس، در ظاهر با مقوله عصمت انبیا متناقض به نظر رسیده و مذموم شمرده است، چراکه این نوع از ترس در شأن پیامبران و اولیای خداوند نیست؛ مانند ترس از غیر خدا: «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب، ۳۷) (طیب، ۱۳۷۸/۸)؛ یا ترس از شکست و مقهور شدن با وجود داشتن معجزهای آشکار و روشن: «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» (طه، ۶۸-۶۷)؛ زیرا به حکم عقل و شرع چنین ترسی شایسته نبوده و مذموم می‌باشد (طیب، ۱۳۷۸/۵: ۲۴).

این در حالی است که مقوله عصمت پیامبران از مهم‌ترین بحث‌های کلام اسلامی بوده و به اجمال مورد قبول همه مسلمانان است و فقط در خصوصیات، ابعاد و جنبه‌های آن اختلاف وجود دارد (ر.ک: اشعری، ۱۴۰۰: ۱۵۱؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵۰/۵؛ قاضی نورالله، ۱۴۰۹: ۲۰۶/۲؛ مظفر، ۱۳۹۶: ۶۰۰-۵۶۸). عصمت در تلقی، حفظ و ابلاغ وحی (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۳؛ سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۸۳/۳) عصمت از شرک و کفر، و نیز عصمت در رفتار و کردار در پیش و پس از بعثت (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷؛ حلی، ۱۴۱۳: ۳۹۴)، ابعاد و جنبه‌های سه‌گانه عصمت هستند که تفسیر آیات مربوط به پیامبران بر اساس مبانی تنقیح شده آن بسیار ضروری و حائز اهمیت است و نمود و عدم نمود آن، دو معنای کاملاً متفاوت و متضاد را به دست می‌دهد.

تاکنون پژوهش‌های معدودی در زمینه تحلیل و نقد برگردان فارسی آیات منافی عصمت انبیا صورت گرفته است و در این پژوهش با آمیخته‌ای از روش توصیفی-تحلیلی و نقد، ضمن انتخاب چند ترجمه مشهور از پنج روش ترجمه تحت‌اللفظی، امین، معنایی، تفسیری و آزاد

۱. در این پژوهش ترجمه‌های ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

شعرانی، پاینده، مصباح‌زاده، معزی، آیتی، ارفع، امین (تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن)، برزی، بروجدی، بهرام پور (تفسیر یک جلدی مبین)، پورجوادی، جعفری (تفسیر کوثر)، تقی‌تهرانی (روان جاوید در تفسیر قرآن مجید)، دانش (ترجمه تفسیر کاشف)، دهلوی، رضاخانی (ترجمه تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد)، رهنما (ترجمه و تفسیر قرآن)، صلواتی،

به فراخور و ظرفیت پژوهش، به واکاوی تفسیری و تحلیل انتقادی از ترجمه‌های ارائه شده از آیه ۳۷ سوره احزاب که شائبه عدم عصمت پیامبر اکرم ﷺ را در جنبه اعتقادات یا رفتار دینی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند، پرداخته شده است.

گفتنی است که از نظر روانشناختی، ترس در حیطه هیجان دسته‌بندی می‌شود (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۹)؛ حال چنانچه نهی از ترس یادشده در این آیات را با توجه به باورهای زمینه آن یعنی توجه به اعتقاد مطلق بودن قدرت خداوند و ضعف مطلق انسان در نظر گرفته شود، باید آن را ناظر به اعتقادات بدانیم. از این رو آیه مورد بحث در زمره آیات متناقض نما با اعتقادات دینی قرار می‌گیرد و چنانچه این هیجان را از نظر عوارض و تظاهرهای بیرونی یعنی پیامدهای عملی و رفتاری ترس مورد توجه قرار دهیم، در دسته رفتارها قرار می‌گیرد و لذا باید آن را در خلال آیات متناقض نما با رفتارهای دینی بررسی کنیم.

۲. سؤالات پژوهش

۱. ترس پیامبران چگونه می‌تواند با مقوله عصمت مغایرت داشته باشد؟
 ۲. کدام قول یا اقوال تفسیری از آیه ۳۷ سوره احزاب با روح و حقیقت آن سازگار بوده و ملاک صحت و اتقان این تفسیرها کدام است؟
 ۳. کدامیک از مترجمان در برگردان آیه محل بحث موفق بوده و روش پیشنهادی برتر و ملاحظات لازم برای ترجمه این آیه کدام است؟
- تاکنون مقاله‌های محدودی درباره آیات به ظاهر متناقض با عصمت انبیا نوشته شده است اما پژوهشی ویژه در حل مسئله ترس پیامبر اکرم ﷺ وجود ندارد. نگارنده در این جستار درصدد آن بوده تا در وهله اول، دیدگاه مفسران از آیه ۳۷ سوره احزاب را از منظر ادبی و کلامی

عاملی (تفسیر عاملی)، عبدالحمیدی (ترجمه تفسیر جوامع الجامع)، فارسی، فولادوند، قرائتی (تفسیر نور)، قرشی بنابی (تفسیر احسن الحدیث)، کاویانی، گرمارودی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، موسوی همدانی (ترجمه تفسیر المیزان)، نسفی، آدینه‌وند (کلمة الله العلیا)، الهی قمشه‌ای، انصاریان، بلاغی (حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر)، حجتی (گلی از بوستان خدا)، خرم دل (تفسیر نور)، خسروانی (تفسیر خسروی)، رضایی، سراج، صادقی تهرانی (ترجمان فرقان)، صفارزاده، صفوی، طاهری، فیض الاسلام (ترجمه و تفسیر قرآن عظیم)، مشکینی، مکارم، نوبی، یاسری.

مورد ارزیابی قرار داده و در ادامه به فراخور پژوهش به ارزیابی ترجمه‌های ایراد شده از پنج روش ترجمه تحت‌اللفظی، امین، معنایی، تفسیری و آزاد از سوی مترجمان پرداخته و ضمن تحلیل انتقادی ترجمه‌های یاد شده، به ارائه راهکار مناسب در ترجمه شایسته از این آیه اهتمام بورزد.

۳. نمای کلی آیات حکایتگر ترس پیامبر اکرم ﷺ						
ردیف	سوره	آیه	متن آیه	ریشه به کار رفته	مغایرت با عصمت	توضیح
۱	انعام	۱۵	قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	خوف	×	ترس از روی دلسوزی
۲	یونس	۱۵	...إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	خوف	×	ترس از روی دلسوزی
۳	هود	۳	...فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ	خوف	×	ترس از روی دلسوزی
۴	کهف	۱۸	وَتَحَسَّبُهُمْ أَيَقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا	رعب	×	جمله شرطیه و بیان یک فرض است، مخاطب واقعی پیامبر نیست و ترس یاد شده، ترس عادی بشری از وقایع می‌باشد.

ترس به ظاهر مغایر با عصمت	✓	خشیت	وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَمَا لَيْكٍ لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا	۳۷	احزاب	۵
ترس از روی دلسوزی	✗	خوف	قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	۱۳	زمر	۶
ترس به ظاهر مغایر با عصمت	✓	خوف	أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ	۳۶	زمر	۷

۴. واکاوی آرای مفسران در مورد ترس به ظاهر مذموم و مغایر با

عصمت پیامبر اکرم ﷺ در آیه ۳۷ سوره احزاب

یکی از آیاتی که با توجه به منشا و نوع ترس، در نگاه اولیه با عصمت پیامبر اکرم ﷺ متناقض به نظر می‌رسد، آیه «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَمَا لَيْكٍ لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (احزاب، ۳۷) است.

به گفته اکثر مفسران و مورخان، این آیه مربوط به زید بن حارثه است. او برده‌ای بود که پیامبر اکرم ﷺ آزادش کرد و فرزند خوانده خویش قرارش داد و زینب، دختر عمه خود را به همسری او درآورد. پس از ازدواج، ناسازگاری میان آنها آغاز شد و زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امر خداوند مأمور شد به وسیله ازدواج با زینب، سنت نادرست جاهلی که مطابق آن ازدواج با همسر پسرخوانده همچون ازدواج با همسر فرزند بود را از بین ببرد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۹۴/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۹۶/۲). در نگاه اولیه، جمله «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» که ظاهرش نوعی عتاب است این تلقی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که خداوند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به دلیل هراس از مردم به جای ترس از خداوند مورد عتاب قرار می‌دهد. در ارزیابی تفسیری این آیه شریفه باید به چند مسئله پرداخته شود: نخست، معنای واژه «خشیت»؛ دو، آنچه که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دل پنهان می‌داشت و سه، چرایی ترس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مردم.

۱-۴. معنای واژه «خشیت»

اگرچه برخی از اهل لغت، «خشیت» را به معنی خوف و ترس دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۴/۴ و فیومی، ۱۴۱۴: ۱۷۰) اما دیگر لغت‌شناسان میان این دو واژه در موارد کاربردشان تفاوت قائل شدند. قرشی «خشیت» را به معنای ترس شدید (قرشی، ۲۵۰/۲: ۱۳۷۱) و راغب آن را به معنی خوف به همراه تعظیم در نظر گرفته است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۸۳/۱). در اقرب الموارد از کلیات ابوالبقاء نقل شده: خشیت از خوف شدیدتر است چون این کلمه از «شجرة خاشیة» اخذ شده و آن درختی است که به کلی بخشکد (شرتونی، ۱۳۹۲: ۵۸/۲). در واقع ابوالبقاء «خاشیة» را برگرفته از «خشو» یعنی شکل ناقص واوی به معنی خشک و پژمرده در نظر گرفته است. بررسی کاربردهای حسی این واژه، نهفتن معنای پژمردگی، خشکی و چروکیدگی را در اصل معنایی این ماده تایید می‌کند. همچنان که «خَشِيْتُ الْبَقْلَ وَالشَّجَرَ» به معنای گیاه و درخت خشک (صاحب، ۱۴۱۴: ۳۷۶/۴)، «الْخَشِيُّ مِنَ اللَّحْمِ» به معنای گوشت خشک (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۸۵/۲) و «الْخَشَا» به معنای زراعتی است که از سرما سیاه شده باشد (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۹۶/۷). صاحب التحقیق نیز «خشی» را از نظر معنا به اشتقاق کبیر آن یعنی ماده «خشع» نزدیک می‌داند و آیات «أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ» (نازعات، ۱۹)، «سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ» (اعلیٰ، ۱۰)، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ» (نازعات، ۲۶)، «إِلَّا تَذَكَّرَ لِمَنْ يَخْشَىٰ» (طه، ۳)، «مَنْ خَشِيَ رَبَّهُمْ مُشْفِقُونَ» (انبیاء، ۲۸)، «خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مَنْ خَشِيَ اللَّهَ» (حشر، ۲۱) را گواهی بر این امر یاد می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷۴/۳). با این توضیح که



وقتی این ماده در مورد انسان به کار رود، با توجه به موارد استعمال آن و به علت وجود هیبت و عظمت در «شیء مَخْشِی»، به معنای ترس ارادی است که از روی علم و معرفت همراه با تعظیم در نفس آدمی ایجاد می شود و او را به فروتنی و می دارد اما خوف آن واکنش طبیعی و انفعال نفسانی است که به طور غیر ارادی و ناخودآگاه بر اثر انتظار رسیدن امری ناخوشایند یا از دست دادن امری خوشایند در نفس به وجود می آید (طیب - حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲-۴. محتوای پنهان دل پیامبر ﷺ

برخی مفسران بر اساس وجود پاره‌ای از روایات چنین آورده‌اند: «روزی پیامبر اکرم ﷺ برای احوال‌پرسی زید به خانه‌اش آمد. در این هنگام ناگهان پرده خانه کنار رفت و چشم پیامبر ﷺ به اندام برهنه زینب افتاد و او را در دل خوشایند آمد. وقتی زید از این امر آگاه شد گفت: اگر مایل باشی او را طلاق دهم؟» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰/۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۰/۳ و ابن اثیر، ۱۴۰۰: ۱۲۱/۲). در برخی روایات آمده که خداوند نیز نفرت این زن را در دل زید انداخت؛ زیرا رسول خدا ﷺ به او تعلق خاطر پیدا کرده بود (میبدی، ۱۳۷۱: ۸/۳). مطابق برخی روایات دیگر، پیامبر ﷺ مدام ذکر «سبحان مقلب القلوب!» را می گفت و علاقه مندی و عشق خود را پنهان می داشت تا اینکه این آیات نازل شد (بلاغی، ۱۴۰۵: ۱۸۱/۱؛ ابن عربی، ۱۴۰۸: ۱۵۴/۳).

بررسی و نقد

داستان یادشده از از نظر ادبی، سیاقی، محتوایی و فقه الحدیثی حاوی اشکالات ذیل است:

۱. تفسیر یادشده با عبارت «فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا» مخالفت دارد؛ زیرا کلمه «وטר» را به هر حاجتی گویند که مورد همت فرد باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۴۶/۷؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۹/۱۴؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۲۰۶/۹). شوکانی می گوید: «قضاء الوطر» یعنی به نهایت آنچه نفس از چیزی می خواهد، رسیدن و این زمانی گفته می شود که فرد به آنچه خواسته، رسیده باشد (شوکانی، ۱۴۱۴: ۲۸۴/۴). زمخشری، در توضیح این عبارت گوید: «هر گاه فردی به چیزی نیاز داشته باشد و به آن چیز دست یابد، گویند: قضی منه وطرًا» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۴۲/۳). همچنین بنا به گفته صاحب

المیزان، «قضاء الوطر» کنایه از آمیزش و بهره بردن جنسی است؛ یعنی زید از او بهره جنسی دلخواهش را گرفته بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۳/۱۶). پس معنای عبارت آن است که: زید زمانی زینب را طلاق داد که دیگر حاجتی به زینب نداشت و همت و خواسته اش از وی به سر رسید و بعد از مدتی، به دلایل مختلف نسبت به او بی رغبت شده و طلاقش داد؛ نه آن که پیامبر ﷺ با دیدن زینب، عاشق شده باشد و زید بدین خاطر طلاقش دهد تا پیامبر ﷺ او را به همسری برگزیند.

۲. بنا بر نص صریح و سیاق آیه، آن چه را که خداوند آن را آشکار فرموده موضوع ازدواج با زینب بوده است نه محبت و علاقمندی رسول خدا ﷺ به او؛ زیرا آن چه که خداوند به عنوان علت ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زینب بیان می دارد، از میان بردن سنت جاهلی تحریم ازدواج با زن پسرخوانده است نه رغبت و عشق پنهان پیامبر ﷺ به زینب: «زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ»

۳. صراحت تعبیر «زَوَّجْنَاكَهَا» از این موضوع حکایت می کند که پیامبر خدا ﷺ خود به ازدواج با زینب اقدام نکرده است بلکه این امر از جانب خداوند صرفاً به جهت از میان برداشتن حکمی جاهلی بوده است. در حقیقت تا پیش از نزول این آیه، قرآن کریم فقط اصل پدرخواندگی را باطل اعلام کرده بود «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَائَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ» (احزاب، ۴) و دستور داده بود که فرزندخواندگان را به نام پدران واقعی شان بخوانند. «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب، ۵) و در این جا به صراحت به پیامبر ﷺ اعلام می کند که ما او را به ازدواج با تو در آوردیم تا سنت جاهلی ازدواج با همسر پسرخوانده نیز برداشته شود «زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ» (احزاب، ۳۷).

۴. اگر زینب خواهان طلاق بود و بر آن اصرار داشت و زید خواهان نگهداری زینب بود، امر به نگهداری «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ» توجیهی نداشت. همچنین اگر هر دو از هم دل زده شده و خواهان طلاق بودند نیز دستور به نگهداری و رعایت تقوا برای خودداری از طلاق وجهی نداشت؛ زیرا بیان این جمله تنها در صورتی صحیح است که زید اقدام به طلاق کرده باشد. از این رو موضوع نهان داشتن عشق همسر پسرخوانده نیز منتفی می شود.

۵. آیت الله معرفت بر آن است که روایات یادشده، مضطرب هستند (معرفت، ۱۴۱۵: ۴۵۲/۳)؛



زیرا در متن این روایات اختلاف و چندگانگی دیده می شود، به گونه ای که یک ماجرا به چند شکل و با معنای متفاوت نقل شده که برخی با برخی دیگر سازگاری ندارد. از این رو روایات یاد شده به جهت ضعف و اضطراب^۱ شدید پذیرفتنی نیست. همچنین برخی از پژوهشگران این روایات را بر ساخته یوحنا دم شقی در عهد بنی امیه دانسته اند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۱).

۳-۴. چرایی ترس پیامبر ﷺ از مردم

در عبارت چالش برانگیز «و تَخَشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» به این نکته تصریح شده است که پیامبر ﷺ در دل از مردم هراس داشت. اما توجه به این نکته ضروری است که ترس از مردم با نیازمندی و انضمام به چیزی که ترس از آن واقع شده معنایش کامل می شود. به دیگر سخن، فهم معنای آیه در گرو کشف جهتی است که ترس از آن صورت پذیرفته است؛ مثلاً ترس از مردم به جهت قدرت و توطئه ایشان یا ترس از مردم به جهت سخن و زخم زبان آن ها یا ترس از گمراهی مردم و جز آن.

۱-۳-۴. ترس از سخن و عیب جویی مردم

طبری این آیه را این گونه معنا می کند که تو می ترسیدی که مردم بگویند پیامبر ﷺ مردی را به طلاق همسرش فرمان داد تا او را به تزویج خویش در آورد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/۲۲). عبدالرزاق از قول قتاده آورده است که ترس پیامبر ﷺ از گفتار مردم بود (صنعانی، ۱۴۱۱: ۹۷/۲). یحیی بن سلام نیز ترس آن حضرت را از عیب جویی مردم در نظر گرفته است (تمیمی، ۱۴۲۵: ۷۲۲/۲). فخر رازی نیز معتقد است که پیامبر ﷺ از زبان کافران و منافقان بیمناک بود. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵: ۱۵۴) وی موکداً ابراز می دارد که عبارت «وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» بدین معنا نیست که پیامبر ﷺ از مردم می ترسید و از خدا پروایی نداشت بلکه بدین معناست که پیامبر! تو نباید در کنار

۱. حدیث مُضْطَرِبٌ حدیثی است که در سند یا متن آن، یا در هر دو اختلاف و دوگانگی دیده شود. اضطراب در متن حدیث را در جایی دانسته اند که یک روایت در منابع متعدد به گونه های مختلف آمده باشد (کرکی، ۱۴۱۴: ۲۸۳/۱؛ مامقانی، ۱۴۲۸: ۳۹۰/۱؛ عاملی، ۱۴۰۸: ۱۴۷ و عاملی، ۱۳۶۰: ۱۱۲). اضطراب در حدیث، موجب ضعف آن دانسته شده است (میردامادی، ۱۳۹۶: ۲۸). حدیث مضطرب گاه به دلیل تعارض روایت مضطرب با روایات دیگر یا مسلمات فقهی و اعتقادی یا گزارش های معتبر تاریخی و رجالی، به طور کلی بی اعتبار می شود (مسعودی، ۱۳۸۹: ۹۱ و ۹۲).

ترس از خدا، از مردم هراس داشته باشی و خشیت خود را تنها به جانب خداوند متوجه کن همان گونه که خداوند در آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، ۳۹) به چنین خشیتی فرمان می دهد (همان: ۱۷۰/۲۵).

بررسی و نقد

۱. این بیان تفسیری به هیچ عنوان زشتی و مذموم بودن ترس پیامبر ﷺ از مردم را توجیه نمی کند. ترس استقلالی از مردم یا ترس از مردم در کنار ترس از خداوند هر دو مذموم بوده و اساساً با مقوله عصمت سازگاری ندارد. اگر چنین ترسی حتی در کنار ترس از خداوند برای پیامبر ﷺ ثابت شود، چگونه می توان به سایر رفتارهای پیامبر ﷺ اعتماد کرد و از کجا معلوم که در بیان اعتقادات و احکام دیگر به طور کامل موفق بوده و بدون ترس و آن گونه که باید به وظیفه خود عمل می کرده است. از این رو، متکلمان یکی از ادله عقلی برای لزوم عصمت پیامبران را جلب اعتماد مردم به آن ها دانسته (حلی، ۱۴۱۳: ۱۵۵؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ۳۷/۵) و از آن به عنوان «دلیل اعتماد» یاد کرده اند (اشرفی، عباس و رضایی، ام البنین، ۱۳۹۲: ۸۶). در صورت اثبات چنین ترسی برای پیامبر ﷺ، قذح و ذمی برای آن جناب و رادع و مانع انجام صحیح ماموریتش و در نتیجه عدم اعتماد به وی در ابلاغ وحی خواهد بود.

۲. مطابق آیه «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده، ۵۳) مومنان و در رأس ایشان، پیامبر اکرم ﷺ در راه دین از نکوهش و ملامت احدی بیم و باک نداشته و دستورات خداوند را آن گونه که بدان مامور بود، ابلاغ می کرده است. همچنین آن جناب، اصحاب خویش را به پایداری در راه اجرای فرمان های الهی ترغیب می کرد. برای نمونه در کلامی به ابوذر غفاری فرمود: «لَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛ در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای بیم و هراس به خود راه مده (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۰/۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۲۶/۲). حال چگونه می توان پذیرفت که الگوی جامعه اسلامی به سفارش خود عامل نبوده و ترس مانع آن حضرت برای بیان کردن حکم خداوند است؟

۳. ادله عصمت پیامبران در دریافت و ابلاغ وحی همچون تأمین غایت بعثت گواه عدم ترس پیامبر ﷺ در بیان احکام الهی است. در تحلیل این دلیل باید گفت: بنا به اقتضای



صفت حکمت و لطف، بعثت پیامبران به جهت هدایت و راهنمایی مردم و پیراستن ایشان از گناه بر خداوند واجب و ضروری است. با این فرض، تحقق اصل و غایت بعثت در گرو مصونیت دریافت و ابلاغ‌کننده وحی از هر گونه لغزش و خطای عمدی و سهوی می‌باشد؛ به این معنا که در صورت احتمال و وقوع خطا در دریافت وحی یا ابلاغ آن، غایت هدایت متحقق نمی‌شود. از این رو ضرورت تبعیت و انقیاد از نبی، بر عصمت وی در دریافت و ابلاغ وحی متوقف است. بنابراین اگر خود حامل پیام بعثت و متولی و مجری آن عامل به پیام خویش نباشد، اثرگذاری پیام آسمانی در مخاطبان به حداقل ممکن تنزل پیدا می‌کند که با غایت بعثت ناسازگار است (مصباح، ۱۳۷۳: ۲۳۴-۲۳۳).

۴. دلیل دیگر عصمت پیامبر اکرم ﷺ در این جنبه و عدم وجود ترس در ابلاغ وحی الهی، ملازمه‌ی عصمت با هدایت تکوینی است. اندیشمندان اسلامی در تبیین عدم خطاپذیری پیامبران، در این جنبه معتقدند آن چیزی که انسان را به سوی سعادت و رفع اختلاف ناشی از اجتماعش هدایت می‌کند، ایجاد و تکوین است؛ پس قهراً نباید اشتباه و خطایی در هدایت انسان و در وسیله هدایتش، که همان روح نبوت و شعور مرموز وحی است، ایجاد شود. پس نه تکوین در ایجاد این شعور در وجود شخص نبی اشتباه می‌کند و نه خود این شعور که پدیده‌ی تکوین است، در تشخیص مصالح از مفاسد و سعادتش از شقاوت دچار غلط و اشتباه می‌شود. از این رو، روح نبوی به هیچ چیزی تعلق نمی‌گیرد مگر آن که عصمت همراه اوست و عصمت همان مصونیت از خطا در امر دین و شریعت تشریح شده است و این عصمت مربوط به تلقی وحی از خدای سبحان است. بنا به عقیده‌ی این اندیشمندان، این جنبه از عصمت به همراه جنبه‌ی تبلیغ آن، دو رکن خطاناپذیر هدایت تکوینی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۶/۲).

۲-۳-۴. حیا کردن از مردم

آلوسی در خصوص عبارت محل بحث معنای متفاوتی بیان می‌کند. وی یکی از معنای محتمل «خشیت» را «حیا» در نظر گرفته؛ یعنی تو از سخن ایشان حیا می‌کنی. وی در مورد عتاب آیه چنین معتقد است که باید بر ترک اولی حمل شود (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۱۱). مفسران

دیگری نیز عبارت «تَخَشَى النَّاسَ» را به معنای حیا کردن از مردم گرفته‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۶۳/۳؛ طوسی، بی تا: ۱۱۲/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۵/۱؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۴۹/۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۴۷/۱؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۹۶/۱؛ کاشانی، ۱۳۰۰: ۱۲۴/۱ و حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۹۷/۱).

بررسی و نقد

این مفسران به دلیل مبنای عصمت پیامبر ﷺ و برای برون رفت از شبهه وجود ترس و در نتیجه عدم ابلاغ وحی توسط پیامبر ﷺ، «خشیت» را به معنای «حیاء» در نظر گرفته‌اند؛ این در حالی است که «حیا» در لغت به معنای انقباض و گرفتگی نفس از زشتی‌ها و ترک آن به جهت زشت بودن (راغب، ۱۴۱۲: ۲۷۰/۱) و دوری‌گزینی از کار زشت، به جهت ترس از مذمت شدن (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۶/۱) و نیز به مفهوم شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت» و بی‌شرمی قرار دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۲/۲). گاهی «حیاء» به جای «خَجَل» (تَحِیر ناشی از فرط حیاء) به کار می‌رود، اما به اعتقاد عسکری این کاربرد، نوعی توسع معنایی «حیاء» است؛ زیرا «حیاء» در اصل، شرم کردن از انجام دادن کاری است که هنوز به وقوع نپیوسته و «خَجَل»، به معنای شرمگین شدن در برابر امری است که انجام پذیرفته است (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۹/۱). در نتیجه، نبود شروط هم‌معنایی یعنی به‌کار رفتن دو یا چند واژه به جای یکدیگر و القای مقصود واحد و نیز عدم اتحاد تام این واژگان در مصداق و معنای مراد (نکونام، ۱۳۹۰: ۲۵۱) مانع از این است که «خشیت» و «حیاء» حتی در جای یکدیگر به کار روند چه برسد به این که هم‌معنا یا نزدیک به معنای هم شوند. از همین رو این قول تفسیری صحیح و مورد قبول نیست.

۳-۳-۴. ترس از اعراض و روی‌گردانی مردم

علامه طباطبایی معتقد است که با در نظر داشتن شأن نزول آیه، می‌توان به دلیل و علت هراس پیامبر ﷺ از مردم به جای ترس از خداوند پی برد؛ زیرا آن حضرت بابت جان خویش نمی‌ترسید، بلکه هراس وی راجع به خدا و مربوط به دین او بود. علت ترس حضرت نیز دو چیز بود: نخست آن‌که مردم به خاطر ازدواج ایشان با همسر پسرخوانده‌اش طعنه بزنند و حضرت را سرزنش کنند، چون تا آن موقع در عرب چنین

امری مرسوم نبود. و دیگر آن که ایمان عوام مردم سست شود و به دین بدبین شوند که چرا این کار از پیامبر ﷺ سر زده بود. بنابراین جمله «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» بر خلاف ظاهر عتاب گونه‌اش، ترس پیامبر ﷺ از خدا از طریق ترس از اثر نامطلوب در ایمان مردم است. یعنی پیامبر ﷺ در ترس از خداوند، مردم را دخالت مده، و مستقیماً از خدا بترس (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۳/۱۶). آلوسی می‌گوید که بیشتر مفسران اهل تحقیق، معنای «وَتَخَشَى النَّاسَ» را ترس از روی گردانی و اعراض مسلمانان نسبت به امر ازدواج با همسر پسر خوانده می‌دانند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۱۱).

بررسی و نقد

در این تفسیر، به درستی به شأن نزول آیه توجه شده است و اشکالات محتوایی و ادبی تفاسیر پیشین را در بر ندارد. در حقیقت با توجه به این که تا پیش از نزول این آیات، قرآن کریم فقط اصل پدرخواندگی را باطل خوانده بود «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ» (احزاب، ۴)؛ و ارث بردن فرزند خوانده از پدرخوانده را منع کرده و دستور داده بود فرزند خواندگان را به نام پدران واقعی‌شان بخوانند «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب، ۵)؛ ولی هنوز جواز ازدواج با همسر مطلقه پسر خوانده را اعلام نکرده بود. پیامبر ﷺ هم به خاطر انعکاس نامطلوب و پیامدهای ناخوشایند احتمالی آن مانند بدبین شدن و دین‌گریزی مردم از این ازدواج و بیان آن به مردم گریزان بود. اتخاذ این معنا با مقوله عصمت سازگار بوده و با آیاتی که حکایت‌گر حریص بودن پیامبر ﷺ بر ایمان‌آوری مردم است «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸)؛ و رنجش خاطر آن جناب از - روی گردانی مردم از دین را بیان می‌کند «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۶)، «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۳)؛ موافقت دارد. شایان ذکر است که برخی پژوهشگران معتقدند کلیدهای استنباط تفاوت «خوف» و «خشیت» در کاربردهای قرآنی آن است که خوف امری طبیعی و غریزی است و در برابر غیر خدا به پیامبران نسبت داده شده، اما هیچ‌گاه خشیت از غیر خدا به آنان نسبت داده نشده است (ر.ک: طیب حسینی، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۴).

۵. دسته‌بندی ترجمه‌ها در تبیین وجه ترس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

حکایت «نخشی و تخفی» از زبان پیامبر <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> و خطاب به زید بن حارثه	
مترجم	ترجمه
بلاغی	<p>و ای پیامبر! به خاطر داشته باش وقتی را که تو می‌گفتی به آن کسی که خدا بر او احسان کرد و تو بر او احسان کردی (یعنی زید) که: زنت (یعنی زینب) را برای خود نگاه دار و از مخالفت فرمان خدا بترس (زنت را به بهانه تکبر کردن او طلاق مگویی و خوردگی مکن و تحمل کن)، و (به او یعنی به زید می‌گفتی که: در دل خود چیزی (یعنی نیت طلاق) را که خدا آشکارکننده آن است پنهان می‌کنی و از مردم می‌ترسی (که نیت خود را آشکار کنی) و حال آنکه خدا سزاوار است که از او بترسی. ای پیامبر! پس چون زید، حاجت خود را (که طلاق و انقضای مدت عده بود) از او (یعنی از زینب) به انجام رسانید، ما او را (یعنی زینب را) به عقد ازدواج تو در آوردیم تا بر مومنان تنگی ای نباشد در نکاح کردن زنان پسرخواندگان ایشان، آن‌گاه که پسر خواندگان، حاجت خود را (که طلاق و انقضای مدت عده است) از زنان به انجام رسانند، و فرمان خدا (درباره واژگون کردن اساس پسرخواندگی عهد جاهلیت) انجام شدنی است.</p>
ترجمه‌های همسو: ندارد.	

بررسی و نقد

«واو» در عبارت «وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ» می‌تواند حالیه یا حرف عطف باشد (علوان، ۱۴۲۷: ۱۸۴۹/۳؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱۹/۸؛ کرباسی، ۱۴۲۲: ۳۴۷/۶). در صورت حالیه بودن، عبارت خطاب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مرجع ضمیر «ک»، آن حضرت بوده و در صورت عاطفه بودن، عطف به فعل «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ» و مرجع ضمیر آن «الذی» یعنی زید بن حارثه است. با دقت در سیاق آیه، حالیه بودن «واو» تعیین می‌گردد چراکه در صورت عطف به ماقبل و همان‌گونه که در ترجمه آمده، باید

پیش از آن فعلی را که در متن آیه نیست در تقدیر گرفت (و تقول وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ...). طبق قانون اصالت عدم تقدیر یا اصالت عدم اضممار باید گفت که شارع منظور خود را در قالب الفاظ بیان می‌کند و این احتمال که کلمه یا جمله‌ای در کلام در تقدیر باشد، منتفی می‌شود و اگر از لفظ و عبارت بیش از معنای ظاهری فهمیده نمی‌شود به دلیل اجرای اصالت عدم تقدیر است که به آن چه بیان می‌شود، عمل می‌گردد (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۰: ۲۸؛ مشکینی، ۱۳۷۱: ۵۷). به این اصل، هم در کلام شارع و هم در محاورات عرفی عمل می‌شود؛ از این رو معلوم می‌شود که شارع شیوه جدیدی را اختراع نکرده بلکه مطابق عرف رفتار کرده است. لذا این ترجمه، پذیرفتنی نیست.

عدم انعکاس مبانی عصمت در توضیح ترس پیامبر ﷺ	
مترجم	ترجمه
مکارم و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او ترسی!
<p>ترجمه‌های همسو: صفارزاده، آدینه‌وند، آیتی، قرشی بنابی، ارفع، الهی قمشه‌ای، انصاریان، برزی، پاینده، پورجوادی، صادقی‌تهرانی، دانش، موسوی، رضاخانی، عبدالحمیدی، حجتی، رضایی، رهنما، ثقفی‌تهرانی، شعرانی، صلواتی، عاملی، فارسی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی، مکارم، قرائتی، بهرام‌پور، خرم‌دل، دهلوی، نسفی.</p>	

بررسی و نقد

این ترجمه و سایر ترجمه‌های همسو با آن، این تداعی را ایجاد می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ به جای ترس و پروای از خداوند، از مردم می‌ترسید! این در حالی است که بر مترجم لازم است که باورهای صحیح یعنی اعتقادات کلامی که از پشتوانه علمی برخوردار است را در ترجمه منعکس کند (ر.ک: نجار، ۱۳۸۲: ۵۰؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۷۶)؛ در حالی که ترجمه‌های یاد شده بدون هیچ

تبیینی صرفاً معنایهای الفاظ را لباس مقصد پوشانیده و به فرازهای پرچالش تداعی کننده عدم عصمت پیامبر ﷺ نپرداخته است. همچنین باید توجه داشت که هدف از ترجمه قرآن رهنمون ساختن به مراد خداوند با انتقال پیام و محتوا از زبان مبدا به زبان مقصد با حفظ ویژگی‌ها و ظرافت‌های زبان مبدا و انتقال آن به زبان مقصد است و نیز ترجمه صحیح با بهره‌گیری از قواعد صحیح در مقوله‌های تفسیری، روایی، فقهی، کلامی و زبان شناختی صورت می‌پذیرد (رک: رضایی اصفهانی، بی تا: ۲۲۳-۱۳۰). با این همه، خواننده پس از خواندن ترجمه یاد شده، درک درستی از آن چه پیامبر ﷺ در دل خود پنهان می‌داشت پیدا نخواهد کرد در حالی که فهم این عبارت کمک شایانی به ترجمه و مفهوم عبارت چالش برانگیز بعدی یعنی «ترس پیامبر ﷺ از مردم» «و تَخَشَى النَّاسَ» می‌کند. در واقع مترجمانی که از روش تفسیری آزاد، تفسیری یا معنایی بهره می‌برند بایستی برای رهنمون ساختن مخاطب خود به مراد خداوند، شأن نزول صحیح آیه را در میان روایات و برساخته‌های معارض با مقوله عصمت را در برگردان خود منعکس و خواننده را به معنای «ما»ی موصوله در عبارت «مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ» هدایت کنند.

مترادف دانستن «خشیت» و «استحیاء»	
مترجم	ترجمه
فیض الاسلام و (ای محمد یاد کن آن را که) در خود پنهان می‌داشتی آنچه را خدا آشکار کننده آن است (و آن تزویج نمودن آن حضرت است زینب را، که خدای تعالی او را از راه وحی از آن کار، آگاه ساخته بود) و از مردم می‌ترسی (شرم می‌کنی که تزویج زینب را برای خود آشکار سازی، مردم تو را سرزنش کنند به اینکه محمد زن پسر خوانده خود را خواسته) در حالی که خدا سزاوارتر است به آنکه از او بترسی (شرم کنی)....
ترجمه‌های همسو: ندارد.	



نقد و بررسی

همان گونه که در ارزیابی تفسیری گذشت، نه تنها بین این دو واژه این - همانی معنوی وجود ندارد بلکه اساساً به جهت تباین معنوی، حتی به جای یکدیگر به کار نمی روند. مترجم در توضیح «وَتَخَشَى النَّاسَ» عبارت «تستحيي من الناس» را جایگزین کرده که جایگزین درستی نیست.

ترس از گفتار و ملامت مردم	
ترجمه	مترجم
... تو در نفس و قلب خود پنهان می کنی چیزی را که (تزویج زینب را) خداوند تعالی آن را آشکار نموده تو را به تزویج زینب امر خواهد کرد از سرزنش و مخالفت مردم ترسیده مکنون قلب را اظهار نمی کنی و حال آن که سزاوار بود که از خدا بترسی از مردم نترس و مطلب قلبی را اظهار بنما، ...	نوبری
ترجمه های همسو: مشکینی، یاسری، انصاریان، خسروانی، امین، بروجرودی، سراج، طاهری، بلاغی، دهلوی، نسفی، خسروانی، الهی قمشه ای.	

بررسی و نقد

ترجمه یاد شده با ادله عقلی برای لزوم عصمت پیامبران در جنبه دریافت و ابلاغ وحی همچون جلب اعتماد مردم، تأمین غایت بعثت و ملازمه عصمت و هدایت تکوینی که ذکر آن در بررسی تفسیری گذشت، در تنافی است. مضاف بر آن که اگر رسول خدا ﷺ در بیان اعتقادات و معارف شرم یا ترس داشته، نقض غرض لازم می آید؛ چراکه اگر الگوی جامعه اسلامی به سفارش خود عامل نبوده و شرم و حیا یا ترس مانع آن حضرت برای بیان کردن حکم الله است، مصداق «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲) (چرا چیزی می گوید که خود آن را عمل نمی کنید) می شود. از این رو ترجمه یاد شده قابل قبول نیست.

ترس پیامبر ﷺ از اثر نامطلوب در ایمان مردم	
مترجم	ترجمه
صفوی	... و در نفس خود حقیقتی را پنهان می‌داشتی که خدا آشکارشدنش را اراده کرده بود؛ او زینب همسر زید را در شمار همسران تو مقرر داشته بود و تو از مردم بیم داشتی که مبدا موافقت با طلاق زینب و سپس به همسری گرفتن او در ایمان مردم اثری نامطلوب داشته باشد؛ در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او پروا کنی (و در صدد انجام فرمان او باشی)....
ترجمه‌های همسو: ندارد.	

بررسی و نقد

صفوی به خوبی ترس پیامبر ﷺ از مردم را تبیین کرده است. وی با بیان این مسئله که بیم پیامبر ﷺ بخاطر این بود که مبدا ازدواج آن حضرت با همسر طلاق داده شده فرزندخوانده خود در ایمان مردم اثر نامطلوبی گذارد، ترجمه خود را با مسئله عصمت هم خوان کرده است. همچنین وی پس از ترجمه «در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او پروا کنی» افزوده (و در صدد انجام فرمان او باشی) را دارد که چرایی سزاوار بودن پروای پیامبر ﷺ از خداوند را به خوبی روشن می‌کند و در واقع نقطه مثبت این ترجمه است. با این توضیحات ترجمه صفوی به دلیل موافقت با رای تفسیری صحیح، سازگاری با مقوله عصمت و ارائه ترجمه‌ای منسجم، ترجمه صحیح به شمار می‌رود جز آن که اشکال درهم آمیختگی شرح و متن و عدم جداسازی افزوده‌های تفسیری از متن آیه در ترجمه او وجود دارد. بنابراین می‌توان ترجمه پیشنهادی که برگردان تصحیح شده ترجمه صفوی است را این‌گونه نگاشت:

ترجمه پیشنهادی

.... و در نفس خود حقیقتی را پنهان می داشتی که خدا آشکار شدنش را اراده کرده بود (و آن این بود که او زینب همسر زید را در شمار همسران تو مقرر داشته بود)؛ و تو از مردم بیم داشتی (که مبادا موافقت با طلاق زینب و سپس به همسری گرفتن او در ایمان مردم اثری نامطلوب داشته باشد)؛ در حالی که خدا سزاوارتر بود که از او پروا کنی (و در صدد انجام فرمان او باشی)....

نتیجه گیری

۱. آیات قرآن از ترس پیامبران به عنوان ترس عادی و طبیعی بشری در قبال وقایع و یا ترس از اشفاق و دلسوزی مانند ترس از گمراهی و اثر نامطلوب در ایمان مردم و یا ترس نزول عذاب بر ایشان گزارش می کند. این ترس با مقوله عصمت مغایرتی نداشته و عقل نیز به عدم مذموم بودن آن حکم می کند. ترس تنها در صورتی منافی عصمت پیامبران است که نشانه ضعف ایمان آن ها باشد؛ مانند ترس از غیر خدا و یا ترس از شکست و مقهور شدن با وجود داشتن معجزات آشکار و روشن که این ترس نیز برای هیچ پیامبری ثابت نیست.
۲. با در نظر داشتن شأن نزول آیه ۳۷ سوره احزاب، دلیل ترس پیامبر ﷺ، اثر نامطلوب در ایمان مردم به واسطه مبارزه در برابر یک عقیده و ریشه کن کردن حکم جاهلی تحریم ازدواج با همسر پسر خوانده بود. در حقیقت آیه بر خلاف ظاهر عتاب گونه اش، ترس پیامبر ﷺ از خدا از طریق ترس از اثر نامطلوب در ایمان مردم است. همچنین سایر اقوال همچون جایگزین کردن معنای «تستحیی» به جای «تخشی» به دلیل فقدان شروط صحت هم معنایی یعنی به کار رفتن دو یا چند واژه به جای یکدیگر و القای مقصود واحد و نیز قول ترس از گفتار و ملامت مردم، به دلیل مخالفت با ادله عصمت مانند جلب اعتماد مردم، تأمین غایت بعثت و ملازمه عصمت و هدایت تکوینی، پذیرفتنی نیست.
۳. در میان ترجمه های یاد شده، ترجمه بلاغی برای برون رفت از شبهه ترس مذموم پیامبر ﷺ، عبارت «وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ» و «وَتَخْشَى النَّاسَ» را حکایت گفتار پیامبر ﷺ به زید بن حارثه در نظر گرفته که این توجیه به دلیل سازگار نبودن با سیاق آیه و قانون اصالت عدم تقدیر پذیرفتنی

نیست. همچنین جایگزینی فعل «تستحیی» به جای «تخشیی» در ترجمه فیض الاسلام برای توجیه مسئله ترس پیامبر ﷺ به دلیل تباین و تفاوت معنایی این دو واژه و عدم وجود شروط هم معنایی، پذیرفتنی نیست. ترجمه مکارم و سایر ترجمه های همسو با آن نیز به دلیل عدم انعکاس مبانی کلامی تنقیح شده و عدم توجه به رسالت ترجمه، مردود می باشد.

۴. ترجمه صفوی به دلیل بازتاب شأن نزول آیه، رعایت مبانی علم کلام و در نظر داشت مسئله اشفاق و دلسوزی پیامبر اکرم ﷺ در ترجمه و همچنین به علت افزودن کمانک و تبیین عبارات های نیازمند توضیح، ترجمه منسجم و منتخب می باشد.

۵. به عنوان بهترین ترجمه در خصوص آیه مورد بحث، ترجمه مزجی که برگردان تصحیح شده ترجمه صفوی است، پیشنهاد می شود؛ چراکه از یک سو با در نظر نگرفتن محتوای داخل کمانک، به ظرافت های ترجمه همچون تجزیه و ترکیب صحیح آیات و معادل یابی آن توجه شده و ساختار دقیق متن مبدا را به خواننده و مخاطب تخصصی می نمایانیم و از سوی دیگر با در نظر گرفتن آنچه درون کمانک آمده است، ابهام عارضی را برای مخاطب غیرتخصصی برطرف ساخته و او را اقناع می کنیم.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، محقق: جمیل، صدقی محمد، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۴۰۰ق)، *الکامل فی التاریخ*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، محقق: مهدی، عبدالرزاق، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، چاپ اول، قم: دار بیدار للنشر.
۶. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *احکام القرآن*، محقق: بجاوی، علی محمد، چاپ اول، بیروت: دار الجیل.
۷. ابن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: هارون، عبدالسلام محمد، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. اشرفی، عباس و رضایی، ام البنین (۱۳۹۲ش)، «عصمت پیامبران در قرآن و عهدین»، شماره ۱۲.
۱۰. اشعری، ابو الحسن (۱۴۰۰ق)، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، چاپ سوم، آلمان-ویسبادن: فرانس شتاينر.
۱۱. بلاغی، محمد جواد (۱۴۰۵ق)، *الهدی الی دین مصطفی*، چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۲. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۳. تمیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق)، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۴. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش)، *لزوم رعایت مبانی کلامی در ترجمه قرآن مجید*، ترجمان وحی، شماره ۱.
۱۵. حائری طهرانی، علی (۱۳۳۸ش)، *مقتنیات الدرر*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، *کشف المراد*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. درویش، محی الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن الکریم و بیانه*، چاپ چهارم، حمص: الارشاد.

۱۹. ذهبی، محمد حسین (۱۴۰۵ق)، *الإسرائيليات فی التفسیر والحديث*، چاپ دوم، دمشق: لجنة النشر فی دار الایمان.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمد علی (بی تا)، *منطق ترجمه قرآن کریم*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، تصحیح: حسین احمد، مصطفی، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۴ش)، *الالهیات*، چاپ ششم، قم: موسسه امام صادق.
۲۴. ——— (۱۳۸۳ش)، *منشور جاوید*، قم: موسسه امام صادق.
۲۵. ——— (۱۴۲۰ق)، *الموجز فی اصول الفقه*، چاپ دوم، قم، موسسه الامام الصادق علیه السلام.
۲۶. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، محقق: عمروی، عمر، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۸. شرتونی، سعید (۱۳۹۲ش)، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد*، تهران: اسوه.
۲۹. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، *فتح القادیر*، چاپ اول، دمشق: دار ابن کثیر.
۳۰. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، مصحح: آل یاسین، محمد حسن، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.
۳۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق)، *تفسیر القرآن العظیم/تفسیر عبدالرزاق*، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصححان: یزدی طباطبایی، فضل الله ورسولی، هاشم، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۳۵. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، مصحح: حسینی اشکوری، احمد، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: عاملی، احمد حبیب، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
۳۸. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۲ش)، *پژوهشی در معنای واژه قرآنی «خشیت» و تفاوت آن با*



- «خوف»، دو فصل نامه کتاب قیم، سال سوم، شماره هشتم.
۳۹. عاملی، حسین بن عبدالصمد (۱۳۶۰ق)، *وصول الأخبار الى اصول الاخبار*، محقق: حسینی کوهکمری، عبداللطیف، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۴۰. عاملی، زین الدین (۱۴۰۸ق)، *الرعاية فی علم الدرایه*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۱. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، چاپ اول، بیروت: دار الافاق الجدیدة.
۴۲. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق)، *اعراب القرآن الکریم*، محققان: بنا، ابراهیم و عبد، محمد محمد، چاپ اول، طنطا: دار الصحابة للتراث.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۴۴. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، چاپ دوم، قم: موسسه دار الهجرة.
۴۶. قاضی نورالله (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۷. قرشی بنابی، علماکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ق)، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب.
۴۹. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۳۰۰ش)، *منهج الصادقین فی الازام المخالفین*، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
۵۰. کاویانی، حسین و همکاران (۱۳۸۴ش)، *تقابل واژه های هیجان و شناخت*، تازه های علوم شناختی، سال ۷، شماره ۲.
۵۱. کرباسی، محمد جعفر (۱۴۲۲ق)، *اعراب القرآن کرباسی*، چاپ اول، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۵۲. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ.
۵۳. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۸ق)، *مقباس الهدایه*، محقق: مامقانی، محمدرضا، قم: موسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث.
۵۴. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش)، *آسیب شناخت حدیث*، قم: انتشارات زائر.
۵۵. مشکینی، علی (۱۳۷۱ش)، *اصطلاحات الاصول و معظّم ابحاثها*، چاپ پنجم، قم: نشر الهادی.
۵۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۳ش)، *آموزش عقائد*، چاپ دهم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۷. _____ (۱۳۹۳ش)، *راه و راهنما شناسی*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۸. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ سوم، بیروت - قاهره - لندن: دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.



۵۹. مظفر، محمد حسن (۱۳۹۶ق)، *دلائل الصدق*، قاهره: دار العلم للطباعة.
۶۰. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ دوم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۶۱. مفید (۱۴۱۳ق)، *النکت الاعتقادیه*، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۶۲. میبدی، ابوالفضل رشید الدین (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عده الابرار*، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
۶۳. میردامادی، مجتبی (۱۳۹۶ش)، *علم رجال و درایه بررسی و نقد*، تهران: میراث فرهیختگان.
۶۴. نجار، علی (۱۳۸۲ش)، *اصول و مبانی ترجمه قرآن*، چاپ اول، رشت: کتاب مبین.
۶۵. نکونام، جعفر (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر معناشناسی قرآن*، قم: اصول دین.